

### یادداشت اختصاصی

## به بهانه انتشار کتاب

«نابرابری با ما چه می‌کند؟»

### سعیدمدنی

۱۳۷۶ در سمنار فقر و نابرابری در ایران، اقتصاددان توسعه‌گرا، دکتر محسن زبانی، در مقاله‌ای نشان داد در پی اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی پس از جنگ، خط فقر مطلق بالاتر از خط فقر نسبی قرار گرفته است و این به‌منابه وارونگی در اقتصاد، آثار و پیامدهای فاجعه‌آمیزی خواهد داشت. مطمئن نیستم امروز آن وضعیت تکرار شده یا نه؟ اما وقتی درآمد سرانه در مدت یک دهه از ۷،۴ میلیون تومان در سال ۱۳۹۰ به ۵،۲ میلیون تومان در سال ۱۴۰۱ رسید، وقتی در همین فاصله نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین از ۱۱۰،۹ برابر به ۱۲،۸۶ برابر و هزینه ۲۰ درصد ثروتمندترین به ۲۰ درصد فقیرترین از ۶،۷۸ برابر به ۷،۶۹ برابر و خط فقر مطلق خانوار چهارنفری از یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومان به چهارمیلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید، همه فهمیدیم که آوار نابرابری بر سر ملت بزرگ ما پیش از گذشته ریخته است. بنابراین وقتی سال ۱۴۰۲ گزارش شد که سهم پایین‌ترین بیستک از کل در آمد ناخالص ملی ۵،۹ درصد و در مقابل سهم بالاترین بیستک ۴۷،۵ درصد است، متعجب نشدمیم (به نقل از گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، مهر ۱۴۰۲). درباره آثار و پیامدهای این شکاف و نابرابری روزافزون و برای آنکه بدانیم «نابرابری با ما چه می‌کند؟» نیز می‌توان کوهی از آمار و ارقام را ارائه داد. در سال ۲۰۲۳ متوسط نرخ شادکامی در ۱۰ سال گذشته در جهان معادل ۵،۹۵ و در ایران ۴،۷۶ یعنی بسیار کمتر از میانگین جهانی گزارش شد. وضعیت ایران هم سطح عراق و فلسطین جنگ‌زده بود (گزارش شادی در جهان ۲۰۲۳ ipsoos). میانگین امتحانات نهایی خردادماه ۱۴۰۳ دانش‌آموزان دبیرستانی در سه رشته تجربی، ریاضی و علوم انسانی به ترتیب ۱۰،۱۲۳، ۱۱،۲۳ و ۸،۰۷۵ بود. درخواست قانونی سقط جنین در بهار ۱۴۰۳ در مقایسه با بهار ۱۴۰۲ دوهزارو ۸۳۹ مورد به سه‌هزارو ۶۹ مورد رسید. تقریباً با همه درخواست‌ها موافقت شد. تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل‌کرده از ۹۱۱ هزار در سال ۱۴۰۰ به ۹۳۰ هزار در سال ۱۴۰۲ رسید. تعداد خودکشی منجر به مرگ در سال ۱۴۰۲ در مقایسه با سال ۱۳۹۸ حدود ۴۷،۸ درصد افزایش یافت و میانگین خودکشی در ایران تا متوسط جهانی فاصله کمی دارد و در برخی استان‌ها بسیار بالاتر از میانگین جهانی است. این جامعه تراز نونین است که نابرابری ساختاری برای ملت ما به ارمان آورده است! محقق گفته «من به نابرابری علاقه‌مندم، نه به دلیل اهمیت بیشترش در مقایسه با فقر، بلکه چون معماگونه است» (اولیویه بلانچارد و دنی رودریک، مبارزه با نابرابری، ترجمه رضا بخشی آتی و مجید اسدی، انتشارات روزنه، ۱۴۰۱). معمای نابرابری کجاست؟ برای ما که هر لحظه نازدگی روزمره در برابر گونه‌های متفاوت نابرابری و تبعیض قرار می‌گیریم، آیا نابرابری معماست؟ سال‌ها پیش یکی از استادان برجسته که پژوهش‌ها و مقالات زیادی درباره فقر و نابرابری به‌ویژه زندانشدن فقر و نابرابری داشت، گفت تنها وقتی در سفری به هند رفتم و فاصله محل اقامتم تا محل برگزاری کنفرانس در دانشگاه را پیاده طی کردم، معنای فقر و نابرابری را در کف خیابان‌های هند عمیقاً فهمیدم. به تقلید از او می‌گویم از وقتی توفیق آن را داشتم تا در زندان مقیم شوم، مدعی نابرابری را عمیقاً فهمیدم. در زندان میانگین هزینه خرید ماهانه زندانیان از فروشگاه در حد فاصل کمتر از یک تا ۲۰ میلیون تومان متغیر است. اگر چه با در نظرگرفتن هزینه پنهان برای خرید مواد از جمله هر گرم شیشه حدود یک میلیون تومان تا خرید موبایل دست‌کم ۱۰ برابر قیمت متعارف آن خارج از زندان، این شکاف بسیار عمیق‌تر هم می‌شود. وقتی در یک مؤسسه مطلق (total institution) که همه حیات و ممت افراد تحت کنترل و نظارت است، شاهد چنین نابرابری سهمگینی هستم، چه معمایی درباره نابرابری در زندگی روزمره باقی مانده است؟ به نظر می‌رسد نشان‌دهن مظاهر نابرابری در جامعه امروز ایران کار دشواری نیست، اما هنوز مسائل ناگفته درباره سبب‌شناسی و همین‌طور آثار و پیامدهای نابرابری فراوان است. جغرافیا، فرهنگ، سیاست و این اواخر ظریفیت حکمرانی و قدرت بوروکراسی فهرستی از عوامل کلان هستند که صاحب‌نظران به‌عنوان عوامل مؤثر دلف فقر، نابرابری و توسعه‌نیافتگی مطرح کرده‌اند که البته درباره نسبت بین آنها سخن بسیار و مناقشات جدی است و دیدگاه‌ها در این زمینه را می‌توان به دو گروه سیاست‌پرهیز و سیاست‌محور تقسیم کرد؛ دیدگاه‌های سیاست‌پرهیز با عمدکردن نقش عوامل غیرسیاسی در پدیداری فقر و نابرابری در پی توضیح علل و عوامل پدیدآورنده نابرابری است. درحالی‌که دیدگاه دیگر با بهره‌گرفتن از مباحث اقتصاد سیاسی بر نقش ساختار قدرت و نقش حکمرانی بر پدیدآمدن و تعمیق شکاف نابرابری اصرار می‌ورزد. به نظر می‌رسد نابرابری ساختاری کنونی در پرژو دیدگاه دوم توضیح‌دانی نیست. به گفته هرمان دیلی (که نمی‌دانم کیست) «دست نامرئی آدام اسمیت اکنون پایی نامرئی است که زیر لگدهایش طبیعت و جامعه خرد و له می‌شود». کتاب «نابرابری با ما چه می‌کند؟» که دوست عزیز دکتر مزکد دانشور ترجمه و به دست ما رسانده، تلاش کرده تا آنچه را امروز نابرابری بر سر ما آورده، به‌روشنی تریسم کند. انگیزه مترجم محترم آن چنان که در مقدمه توضیح داده، مشاهده «تأثیرات آشکار و پنهان نابرابری بر همه زندگی ما» در تمام سال‌های پس از جنگ است. دامنه مطالعات درباره آثار نابرابری بر سلامت به‌ویژه سلامت روان در ایران چندان گسترده نیست و دانش ما در این زمینه بسیار کم است. بنابراین مطالعه این کتاب می‌تواند بصیرت بیشتری درباره آنچه تأثیر نابرابری بر روح و روان دارد، به دست دهد. از مترجم محترم که همواره در تلاش‌های علمی دغدغه نابرابری داشته‌اند، به واسطه آنکه ترجمه روانی از این کتاب را در اختیار مخاطب ایرانی قرار داده‌اند، سپاسگزارم و برای‌شان آرزوی موفقیت و شادکامی دارم.

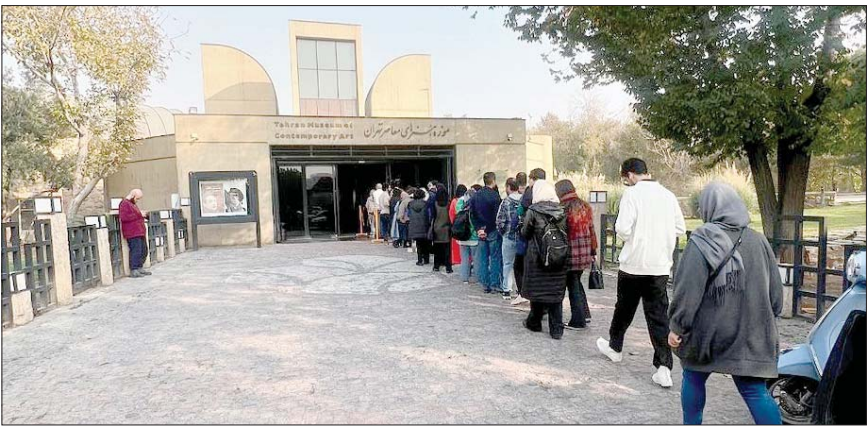
### یادداشت

## آفت ناکارآمدسازی تصمیم‌های اساسی

اگر انتقادی هم به آن دولت باشد، به سبب عدم توجه به شایسته‌سالاری و نیز انتخاب خطی و محفلی برخی از آنها بوده است. پزشکیان هم در انتخاب کار و هم در همه جلسات، تغییر مدیران دولت پیشین را منوط بر انتخاب مدیران شایسته‌تر، کارآمدتر و باتجربه‌تر کرده است. پزشکیان همواره تذکر داده است که مبادا تغییر مدیران ریشه در جناح‌بندی و انتساب به رویکرد سیاسی «دیگری» داشته باشد؛ چون او همه «دیگری» و دیگران را به رسمیت می‌شناسد و در کار ساختن کشوری با این همه چالش به همه نیاز دارد. مبادا رویکرد رئیس‌جمهور چهاردهم زمانی که به وزرا و سطوح پایین‌تر تسری می‌یابد، قربانی همان شیوه‌هایی شود که در ابتدا ذکر شد. مدیرانی باید تغییر کنند که سیاست استراتژیک رئیس‌جمهور پزشکیان مبنی بر وفای ملی، آموزش، همکاری با دنیا، کاهش چالش و تشنج و حل مسئله را باور دارند و کسانی باید جای آنها را پر کنند که از آنها کارآمدتر باشند نه ضعیف‌تر، کم‌تجربه‌تر و کم‌سوادتر. تغییر مدیران پیشین رویکرد پزشکیان نیست، اما اصلاح کارآمدی و بهره‌وری بیشتر دولت هدف اصلی او است. در برخی انتصابات در سطوح میانی و گاه بالاتر، بوی داوستدهای سیاسی، محفلی و فامیلی، استشمام می‌شود؛ زیرا مدیر جدید نه‌تنها در شایستگی هم‌وزن مدیر‌قبلی نیست، بلکه بعضاً ضعیف‌تر هم هست. چنین انتصاب‌هایی خیانت به رئیس دولتی است که بخشی از بار مسئولیت خود را به دوش وزرا گذاشته است. ۳ پزشکیان سازوکار مهم دیگری را هم برای هموارکردن مسیر «وفاق ملی» تعیین کرده با عنوان Evident Based یا استفاده آگاهانه، صریح و خردمندانه از بهترین شواهد فعلی در تصمیم‌گیری که در تحلیل آئینده به آن می‌پردازیم.

# تبلور فقدان تجارب مشترک جمعی در وادی هنر

**سهم مردمی که کالری کافی دریافت نمی‌کنند در صف موزه چقدر است؟**



رخ داده است، فرق دارد. او معتقد است ایستادن در صف در زمان کوتاهی خود تبدیل به ارزش شد؛ اینکه برویم و در صف بایستیم و لذت ببریم از این ایستادن. مسئله خود صف شد، نه جایگاه موزه و آثار و جایگاه‌شان در فرهنگ و تاریخ ما. این صف گوشت، مرغ و سینما نیست، صف موزه است و مواجهه‌ای است با یک وضعیت مدرن و تجربه امر مدرن که آن را سوزه‌ای جهانی می‌کند. سوزه جهانی مانند آنها که در صف موزه لوور پاریس می‌ایستند. تصویری دیده‌ام از صفی طولانی مقابل یک موزه در نیویورک؛ باید توجه کرد که آن صف برای افتتاحیه است نه اختتامیه. صف افتتاح که برای جمعیتی مشتاق است و می‌تواند فرهنگ ما را نشان دهد اهمیت دارد، نه صف آخر که رویدادی دارد تمام می‌شود. پس برویم ببینیم. ایمن یعنی ما با وضعیت ممتد فرهنگی روبه‌رو نیستیم.

یک سوم جامعه ایران کالری کافی دریافت نمی‌کند. یک سوم جامعه ایران، در حدود ۳۲ میلیون نفر، زیر خط فقر است و این شوخی نیست. در چنین جامعه‌ای که با انواع دغدغه‌ها مواجه هستیم، نمی‌توانید بحث انجراها و دگرگونی‌های زیبایی‌شناختی بکنید. جامعه بحران‌های شدیدی دارد که تحول‌های زیبایی‌شناختی از نوع هنری مثل دغدغه موسیقی و تئاتر فاخر یا موزه هنرهای معاصر به دغدغه‌های متعلق به قشر ثروتمند تبدیل شده و اتفاقاً محرومیت عظیمی در جامعه ایران رخ داده. محرومیت از هنر فاقری که دارای چفت‌ووست و زبان ماهر بیان هنری است. در بی این محرومیت او از سینما می‌گوید: فردی یک یا دو بار در سال می‌توانست با خانواده‌اش در صف سینما بایستد و بعد شامی بخورد. سطح این سینما همان است که شما می‌خواهید لذت ببرید و بخندید یا هیجان تجربه کنید. این سطحی نیست که فیلم‌های خیلی روشنفکری ما را هم در بر بگیرد. سینمای روشنفکری ما چنین وضعیتی برای در صف ایستادن خانواده‌ها ندارد و اگر صفی هم تولید کند، کسانی در آن می‌ایستند که زبان سینما را فارغ از حالت روزمره که طنز یا هیجان‌برانگیز است، می‌بینند و دنبال زبان سومی هستند که زبان فهم تولید معنا و اندیشیدن هنگام مصرف فیلم است.

در آن آخر هفته‌ای که خانواده دوست دارد برود، بخندد و فیلم ببیند یا هیجانی تجربه کند، فیلم روشنفکری نیازها را برآورده نمی‌کند. آن تولید معنا برای‌شان مبهم می‌شود که چرا من که بقیه هفته را کار کرده‌ام، با زن و بچه‌ام چنین فیلمی بینم که نمی‌توانم با آن رابطه مناسب را برقرار کنم؟ چراکه نیاز من فهم این فیلم نیست، بلکه نیاز من خنده، تشریح آدرنالین و تجربه هیجان است. فیلم‌هایی که الان می‌بینیم، نمره همین است؛ فیلم‌هایی که از نظر شخص من درجه هنری‌شان بسیار پایین است و چزندیات و شوخی‌های بالای ۱۸ سال و بازی با دهه ۶۰ و بازی با دوره‌های تاریخی است که فروش هم می‌کند و پشت سر هم ساخته می‌شوند.

**چرا برخی تئاترها بسیار دیده می‌شوند؟**

مدتی قبل تئاترهایی روی صحنه رفتند که با وجود قیمت بالای بلیت آنها که گاهی بیش از دو میلیون در بازار سیاه فروخته می‌شد، فروش زیادی داشتند. گاهی روزها یک نوبت‌های اجرا نیز افزایش می‌یافت. بعضی دلیل این اقبال را حضور بازیگران مشهور روی صحنه دانسته‌اند اما همین بازیگران را گذشته نتوانسته بودند تمام صندلی‌ها را پر کنند. به عقیده حامد یکا بیشتر از اینکه اهمیت خود تئاتر باشد، این است که «ما هم این تئاتر را دیده‌ایم» و سلفی‌انداختن در آنجا و استوری‌کردنش مهم است. تئاترهایی که بلیت بسیار گرانی دارند و در مجموعه‌های بزرگ مانند سعدآباد اجرا می‌شوند که دسترسی به آن از دسترسی به تئاتر شهر که نزدیک مترو است، مشکل‌تر است. او این موضوع را به دیگر موضوعات نیز تعمیم می‌دهد. اینکه «ما هم در این جرگه قرار داریم، ما هم به صف موزه می‌رویم، ما هم در فلان رستوران بالای شهر غذا می‌خوریم و ما هم به سفر لوکس می‌رویم». اینها دارند تبدیل به شوهایی مصرفی خیلی مبتدل هویتی می‌شوند.

می‌داند؛ همین‌طور بوده. از آن منع شده‌ای، هیجان‌برانگیز است می‌کند؛ بین کسانی که در صف موزه می‌ایستند و کسانی که به تئاتر می‌روند، تفاوت است، ولی در مجموع آبخشور تمام اینها

چرخش‌های اطلاعاتی در شبکه‌های اجتماعی است که آن صف را صف یا یک تاتر را تبدیل به تئاتری درخورتوجه می‌کند. وقتی مدام چیزی را ببینیم، نظام توجه‌مان به آن متمرکز می‌شود و این خود ارزش‌آفرین است. در حقیقت ما با وضعیت اسفباری در تئاتر روبه‌رو هستیم. همین چند وقت پیش یکی از مسئولان تئاتر به رئیس‌جمهور نامه‌ای برای نجات تئاتر نوشته بود. درحال‌حاضر هم می‌بینیم تعدادی از اینفلوئنسرهایی که جایگاه مناسبی در ارزش‌های فرهنگی ندارند و صرفاً با نشستن جلوی دوربین موبایل‌شان توانسته‌اند به حجمی از مخاطب دست پیدا کنند، روی صحنه تئاتر می‌آیند تا مخاطب را به سال‌ها بکشاند. این جامعه‌شناس از نمونه دیگری می‌گوید: انفجاری بزرگ‌تر از موزه و تئاترها اخیر در دهه ۹۰ تشیع جنازه آقای پاشایی بود. جریان‌ی که آنجا می‌بینید، موزه و تئاتر در برابر آن رنگ می‌بازند. جمعیت بسیار بزرگی برآمده از فیس‌بوک که به آنجا رفتند. فیلم‌های روی تخت بیمارستان و ملاقات سلبریتی‌ها با او که مردم خبردار شدند. ویدئوهایی می‌دیدید که مردم ساعت هفت می‌پوشیدی که شاید جایی به این جمعیت پیوندی. باید توجه کنیم که بیشتر از خود واقعه مثل اینکه ارزش هنری آقای پاشایی برای مردم چقدر بوده، آیا ارزش هنری موزه و تئاتر نزد مردم تغییر کرده، مسائل دیگری بمب خبری شدند. این بمب‌های خبری بسیار مهم‌اند. اصل ماجرا اینجاست که وقتی واکنش‌های کنیم، می‌بینیم جریان‌هایی این مسائل را تبدیل به مرکز توجه می‌کنند. مطالب، عکس‌ها و اخباری که در حاشیه آنها منتشر می‌شود، هم چرخه را ادامه می‌دهد.

از حاضران در تشیع جنازه مرتضی پاشایی در آبان‌ماه ۱۳۹۳ آمار رسمی وجود ندارد، اما بسته‌شدن چند خیابان اصلی و اختلال در متروی تهران که از ازدحام جمعیت نشست گرفته بودند، گواه بالا‌بودن آمار است. بی‌بی‌سی، نیویورک‌تایمز و تعدادی دیگر از رسانه‌های خارجی هم خبر جمعیت بزرگی را که برای مراسم یادبود یک خواننده پاپ آمده‌اند، پوشش دادند.

**موسیقی خیابانی چرا و چطور ما را دور هم جمع می‌کند؟**

با قدم‌زدن در مرکز شهر یا خیابان‌های پرتردد می‌شود نوازندگان و خوانندگانی را دید که شاید نام و چهره‌شان آشنا نباشد اما از صدای خودشان و سازشان استقبال زیادی می‌شود. ویدئوهایی از این خوانندگان و نوازندگان در شبکه‌های اجتماعی این قدر دیده شد که گاهی صاحبان اصلی اثر هم آنها را تشویق کردند. بعضی خیابان‌ها و پارک‌ها نیز محلی خاص و مشهور برای این اجراها شدند. حامد کیا درباره پدیده موسیقی خیابانی اظهار می‌کند: موسیقی خود خیلی متفاوت است. با موسیقی عاشقی می‌کنید، گریه می‌کنید و می‌خندید. سطح موسیقی با سینما و دیگر هنر‌ها فرق دارد و از نظر من با فاصله از فیلم پرفنودترین هنر است. صبح که من با مترو سر کار می‌روم، از هدفون‌های زیادی صدای موسیقی می‌شنوم اما مگر چند نفر دیده می‌شود که ویدئو ببینند؟ موسیقی خیابانی هم همین‌طور است. در خیابان چند گروه حرفه‌ای دیده‌ام؛ در شهرک غرب یکسایرکمان یا در متروها. برای مثال کسی با همسرش درحالی‌که قهوه می‌خورند و قدم می‌زنند، می‌ایستند و گوش می‌دهند. موسیقی‌ای که در این فضاها می‌بینید و احساساتی‌که در مصرف آنجا است، سطح متفاوتی دارد. محدودیت در سبک‌های موسیقی و گاهی ممنوعیت‌ها در این زمینه همواره مورد بحث قرار گرفته است. مجوزندادن به خوانندگان سبک رب نمونه‌ای از این محدودیت‌هاست که نمودش در موسیقی خیابانی دیده می‌شود. بعضی از این خوانندگان رب حالا دیگر نه‌تنها زیرزمینی نیستند، بلکه اجراهای‌شان هم در جاهای عمومی تماشاچی زیادی دارد. اما این اجراها هم زیر سایه نگرانی از مجوزنداشتن است. حامد کیا معتقد است تجربه امر جمعی به واسطه موسیقی خیابانی در ایران که امکان تجربه امر مشترک جمعی در ملامام بسیار پایین است، هیجان تولید می‌کند، یعنی بار ارزشی مضاعفی آن می‌دهد. تجربه بوده از آن منع شده‌ای، هیجان‌برانگیز است و همواره همین‌طور بوده. اینکه موسیقی میدان تجربه‌ای درست کرده برای مردم و به طور ویژه برای مردم ایران جذاب است.

### بازتاب

## باسخ وزارت نیرو در واکنش به گزارش «شرق»

وزارت نیرو در واکنش به گزارش روزنامه «شرق» با تیتر «خاموشی یا خفگی» جوابیه‌ای را به روزنامه ارسال کرد. متن این جوابیه به شرح زیر است: جناب آقای مهدی رحمانیان، صاحب امتیاز و مدیرمسئول محترم روزنامه شرق، با سلام و اهدای تحیات؛ ضمن عرض احترام به فضای رسانه‌ای بالاخص روزنامه محترم شرق، پیرو مطلب مندرج در آن روزنامه با عنوان «خاموشی یا خفگی؟» در روز ۲۲ آبان ماه ۱۴۰۳ توضیحات زیر جهت استحضار و بهره‌برداری ارسال می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید این توضیحات طبق قانون مطبوعات در آن روزنامه منتشر گردد. روزنامه شرق در گزارش اخیر خود به کارشکنی وزارت نیرو در اجرای قانون هوای پاک به دلیل عدم نصب فیلتراسیون در نیروگاه‌ها اشاره کرده است. طرح این مسئله در حالی است که در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۲ هیئت دولت ماده ۲۳ آیین‌نامه فنی در زمینه کنترل و کاهش آلودگی‌ها (موضوع ماده ۴ قانون هوای پاک) را مورد تجدیدنظر قرار داد و براساس آن شرکت‌های بلاایش نفت مکلف گردیدند تا نسبت به اجرای طرح ارتقای کیفیت نفت کوره مطابق استاندارد ملی اقدام نمایند. استاندارد مذکور به‌گونه‌ای تدوین شده است که در صورت مصرف مازوت نصب فیلتراسیون در اگزوز خروجی بویلر نیروگاه‌ها که علاوه بر مصرف حجم از منابع آب و جاگذاری پسماندهای کجی که می‌توانست آسیب‌های جدی به محیط زیست وارد نماید منقذ گردید و از قانون مذکور حذف شده است. در پایان روابط عمومی شرکت برق حرارتی با توجه به ماهیت عملکرد تخصصی این شرکت در اعلام یی درج موضوعات فنی در آن رسانه اعلام می‌دارد.

محمد لبابیان، مدیر کل دفتر هیئت‌مدیره و مدیرعامل، روابط عمومی و امور بین‌الملل

### خبر

### تداوم سرما و آلودگی هوای تهران

اداره کل هواشناسی استان تهران از ماندگاری توده هوای سرد و افزایش غلظت آلاینده‌ها در استان خبر داد. براساس تحلیل الگوهای مهدیدی و بررسی نقشه‌های پیش‌یابی وضعیت جوی استان تهران تا روز جمعه (۱۲ تا ۱۶ آذرماه) صاف تا قسمتی ابری، در بعضی ساعت‌ها افزایش ابر، به دلیل عدم وزش باد قابل ملاحظه و ماندگاری توده هوای سرد، روند تدریجی افزایش غلظت آلاینده‌های جوی و کاهش کیفیت هوا به‌ویژه در ساعت‌های شب و ابتدای صبح در مناطق مرکزی و جنوبی استان پیش‌بینی خواهد شد. همچنین از روز چهارشنبه تا جمعه (۱۴ تا ۱۶ آذرماه) روند افزایش نسبی دما در سطح استان مورد انتظار است. در ۲۴ ساعت گذشته ایستگاه توجال با کمینه دمای منهای ۱۰ درجه سانتی‌گراد سردترین ایستگاه هواشناسی تهران بوده است. براساس اعلام اداره کل هواشناسی استان تهران، آسمان تهران امروز (۱۳ آذرماه) صاف تا کمی ابری با غبار صیحگاهی و گاهی وزش باد با حداقل دمای سه و حداکثر دمای ۹ درجه سانتی‌گراد و طی پس‌فردا (۱۴ آذرماه) صاف تا کمی ابری، در بعضی ساعت‌ها غبار محلی و گاهی وزش باد ملایم با کمینه دمای ۱ و بیشینه دمای ۱۰ درجه سانتی‌گراد پیش‌بینی می‌شود.

## آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای یکپارچه

### نوبت اول

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سامانه تاد) تساه نماید.

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۳۰۷۱۶۴۰۰۰۲۴
شماره مناقصه	۱۱۴۰۲۱۱۲۱۲(جدید)
نوع مناقصه	انجام خدمات بازرسی فنی پالایشگاه دوازدهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ تقسیم شرکت در فرایند ارجاع کار	مبلغ تقسیم شرکت در فرایند ارجاع کار
نوع تقسیم شرکت در فرایند ارجاع کار	تقسیم شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تقاضاین قابل قبول وفق آیین نامه تقصیم شماره ۱۱۳۴۰-ت ۵۰۶۵۹-ت مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	ریال ۲۳۴,۷۵۵,۶۵۷,۴۷۰
آخرین مهلت دریافت اطلاعات ازبندی کیفی در سامانه ستاد	مطابق برنامه زمانی سامانه ستاد
آخرین مهلت بازگاری و ارسال مستندات ازبندی کیفی (روزمه) در سامانه ستاد	مطابق برنامه زمانی سامانه ستاد
آخرین مهلت بازگاری پیشنهادها مالی در سامانه ستاد	مطابق برنامه زمانی سامانه ستاد

آدرس مناقصه‌گزار

بدوینتی کاتبه فرایند و گزارش مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سامانه ستاد) به نشانی WWW.SETAD.IR انجام می‌پذیرد و به نشانی WWW.WWSETAD.IR انجام می‌پذیرد و به نشانی WWW.SPGR.IR مراجعه و با یا شماره فنی‌های

خواهشمند شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت اطلاعات الکترونیکی اقدام نمایند.

ششمه آگهی ۱۳۸۸۱۴

نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

۷۹۶۵